**جلسه 49**

**سه‌‌شنبه - 14/10/۹۵**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در منتهای وقت نماز مغرب و نماز عشاء بود.

**قول اول (مشهور): نیمه شب**

پنج قول مطرح هست:

قول اول قول مشهور است که می‌گویند منتهای وقت نماز مغرب و عشاء نیمه شب است.

**دلیل اول: آیه دلوک شمس**

که مستندش یکی آیه شریفه اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل هست. که غسق اللیل در لغت معنا شده شدت ظلمت و در صحیحه زراره گفتند منتصف اللیل و غسق اللیل انتصافه. و نمازی که تا نیمه شب می‌شود خواند قطعا نماز ظهر و عصر نیست. پس باید نماز مغرب و عشاء باشد. و این هم اطلاق دارد. همه مکلفین مشمول این خطابند و لو تشریفا پیامبر مخاطب است، ‌اقم الصلاة و لکن ایاک اعنی و اسمعی یا جاره.

**اصل اولی در خطابات قرآن به پیامبر، شمولش برای همه مسلمین است**

خطابات قرآن به پیغمبر هم که خطاب می‌کند لولا القرینة الخاصة ‌این معنایش این است که باید مسلمین این کار را بکنند.

مرحوم آقای خوئی فرموده است که اطلاق این آیه شامل مضطر هم می‌شود. کما این‌که شامل مختار می‌شود. و لذا اگر روایاتی آمد گفت وقت نماز مغرب تا ذهاب حمره مغربیه است مثلا، باید حمل بر فضیلت بکنیم. وجهی ندارد ما از آیه رفع ید کنیم.

**دلیل دوم: دو روایت قاسم بن عروه و ضحاک بن زید**

البته مؤید قول مشهور آقای خوئی می‌فرماید چند روایت است ولی این‌ها ضعیف السند هستند. ما دلیل‌مان آیه است.

مراد ایشان از چند روایت ضعیف السند:

یکی مرسله داوود بن فرقد است که عن بعض اصحابنا اذا غابت الشمس فقد دخل وقت المغرب حتی یمضی مقدار ما یصلی المصلی ثلاث رکعات فاذا مضی ذلک فقد دخل وقت المغرب و العشاء الآخرة حتی یبقی من انتصاف اللیل مقدار ما یصلی المصلی اربع رکعات و اذا بقی مقدار ذلک فقد خرج وقت المغرب و بقی وقت العشاء الآخرة الی انتصاف اللیل.

و همین‌طور روایت قاسم بن عروه عن عبید بن زراره:‌ اذا غربت الشمس فقد دخل وقت الصلاةین الی نصف اللیل الا ان هذه قبل هذه.

و همین‌طور روایت ضحاک بن زید هست از عبید بن زراره که شاید همان روایت قبلی است ولی بهرحال با این سند دیگر که آنجا دارد که منها صلاتان اول وقتهما من غروب الشمس الی انتصاف اللیل الا ان هذه قبل هذه.

آقای خوئی چون سند این روایات را ضعیف می‌داند، ‌مرسله داوود بن فرقد که مرسله است و ضعف سندش به عمل اصحاب منجبر نیست به نظر ایشان، ‌روایت قاسم بن عروه هم بخاطر عدم توثیق قاسم بن عروه مشکل دارد و همین‌طور روایت ضحاک بن زید بخاطر عدم توثیق ضحاک بن زید مشکل دارد و لذا این‌ها را به عنوان مؤید ذکر کرد.

اما ما روایت قاسم بن عروه را قبول داریم، ‌روایت ضحاک بن زید را هم قبول داریم چون راوی این دو ابن ابی نصر بزنطی است و هو ممن لایروی و لایرسل الا عن ثقة طبق شهادت شیخ طوسی در کتاب عده.

این قول اول که قول مشهور است همراه با دلیل آن.

**قول دوم (محقق و صاحب مدارک): برای مختار، نیمه شب و برای مضطر، طلوع فجر**

قول دوم قولی است که محقق حلی در معتبر و صاحب مدارک اختیار کردند. تفصیل دادند بین مضطر و مختار. گفتند مضطر وقت نماز مغرب و عشائش تا طلوع فجر ادامه دارد. مختار تا نیمه شب وقت نماز مغرب و عشائش ادامه دارد.

**دلیل: صحیحه عبدالله بن سنان**

دلیل مرحوم محقق در معتبر و صاحب مدارک عمدتا این روایت صحیحه هست، صحیحه عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله علیه السلام قال ان نام رجل او نسی ان یصلی المغرب و العشاء فان استیقظ قبل الفجر قبل ما یصلیهما فلیصلهما و ان خاف ان تفوته احدهما فلیبدأ بالعشاء. فرمود که اگر مردی خواب رفت یا فراموش کرد نماز مغرب و عشاء‌ را بخواند ولی قبل از طلوع فجر بیدار شد به اندازه این‌که نماز مغرب و عشاء را قبل از طلوع فجر بخواند، یعنی چهار رکعت، ‌سه رکعت نماز مغرب بخواند، ‌یک رکعت نماز عشاء قبل از طلوع فجر که بقیه‌اش را با من ادرک درست بکند، ‌این کار را بکند. و اگر خوف دارد که هر دو نماز را نتواند بخوند فلیبدأ بالعشاء، نماز عشائش را اول بخواند. معلوم می‌شود که فوت نشده هنوز نماز مغرب و عشاء با این‌که چند دقیقه بیشتر به اذان صبح نمانده. منتها موردش مورد نوم و نسیان است که معذورند.

صاحب مدارک می‌گوید آخه ما چی بگوییم؟ وقتی می‌بینیم علامه حلی این مرد بزرگوار در منتهی توجیه می‌کند این روایت را می‌گوید فان استیقظ قبل الفجر یعنی ان استیقظ قبل منتصف اللیل روایت می‌گوید اگر قبل از اذان صبح بیدار شد نماز مغرب و عشائش را بخواند، ‌اگر می‌ترسد یکی از این دو فوت بشود نماز عشا‌ء را اول بخواند ایشان می‌فرماید مراد کسی است که قبل از نیمه شب بیدار شده، این‌جور تقیید می‌زند. ایشان می‌گوید خب این تقیید بعید است جدا. یعنی حتی مقید منفصل هم نمی‌تواند این را تقیید بزند. به یکی می‌گویند کی آمدی؟ می‌گوید قبل از اذان صبح رسیدم، معلوم می‌شود قبل از نیمه شب رسیده. این عرفی نیست. کسی که می‌گوید ان استیقظ قبل الفجر بعد دارد قدر ما یصلیهما، بگوییم مراد این است که ان استیقظ قبل منتصف اللیل قدر ما یصلیهما، این الغاء عنوان فجر می‌شود.

بعد صاحب مدارک می‌گوید بله، این مورد، ‌مورد مضطر است. و لذا تفصیل می‌دهیم بین مضطر و مختار. مضطر وقت نماز مغرب و عشائش تا طلوع فجر است. مختار تا نیمه شب است.

**دلیل دوم (استاد): معتبره ابی‌بصیر**

ایشان می‌توانست به معتبره ابی بصیر هم تمسک کند. منتها حالا چرا تمسک نکرده به این معتبره ابی بصیر نمی‌دانیم. حماد بن عیسی هست در سندش ظاهرا که او هم مشکل ندارد. صاحب مدارک فقط به خبر صحیح عمل می‌کند. جهتش این است که ابی بصیر را مردد می‌داند بین ابوبصیری که متهم است به واقفی بودن و ابوبصیر غیر متهم به واقفی بودن. و لذا به این روایت استدلال نکرده. مشکل را در خود ابوبصیر می‌داند.

ما قبلا گفتیم ابو بصیر مردد هست بین یحیی بن القاسم و لیث مرادی و لکن هر دو امامی عدل هستند. معتبره است این روایت.

عن ابی عبدالله علیه السلام: ان نام رجل و لم یصلی صلاة المغرب و العشاء او نسی فان استیقظ قبل الفجر قد ما یصلیهما کلتیهما فلیصلهما و ان خشی ان تفوته احدهما فلیبدأ بالعشاء الآخرة.

این هم دلیل قول دوم.

[سؤال: ... جواب:] نوم، ‌نسیان. می‌شود معذور دیگه.

**قول سوم (صاحب عروه-آقای سیستانی به احتیاط واجب):‌ وضعا، طلوع فجر. تکلیفا، نیمه شب**

قول سوم این است که وقت نماز مغرب و عشاء و لو برای مختار تا اذان صبح است. فقط تکلیفا جایز نیست شخص مختار نماز مغرب و عشاء‌ را از نیمه شب تاخیر بیندازد.

ظاهر صاحب عروه این است. چون می‌گوید الاقوی امتداد وقت المغرب و العشاء الی طلوع الفجر حتی للعامد و ان کان الاحوط ان یأتی بصلاة بنیة ما فی الذمة. که این ظاهرش احتیاط مستحب می‌شود دیگه. چون گفته اقوی این است که نماز مغرب و عشاء حتی برای متعمد وقتش تا طلوع فجر باقی است و لو احتیاط این است که بعد از نیمه شب اگر نماز مغرب و عشاء را خواند به نیت ما فی الذمة بخواند اعم از اداء و قضاء.

آقای سیستانی اینجا حاشیه زدند این احتیاط ترک نشود. احتیاط واجب کردند.

در بین قدماء‌ هم شیخ طوسی در مبسوط نقل می‌کند این قول را بعض اصحاب.

**دلیل اول: صحیحه عبدالله بن سنان و معتبره ابی بصیر به دو بیان**

خب این‌ها دلیل‌شان چیه؟ این‌ها یک دلیل‌شان ممکن است همین صحیحه عبدالله بن سنان و معتبره ابی بصیر باشد. یا بگویند ان نام شامل نوم اختیاری هم می‌شود. نام دیگه. گفت من خسته‌ام، از اذان مغرب گرفت خوابید تا ساعت یازده و نیم. خیلی خسته‌ام. خب بعد صدق می‌کند نام الرجل دیگه و لو عمدا خوابید. این یک بیان. بیان دوم این است که بگوییم نه، انصراف نوم به نوم غیر اختیاری است، نوم عذری است. و لکن این حکم وضعی است می‌گوید تا اذان صبح وقت نماز مغرب و عشاء باقی است، این نائم یا این ناسی قبل از اذان صبح که بیدار شد یا متذکر شد نماز مغرب و عشاء‌ را قبل از اذان صبح بخواند عرفا کشف می‌کند که وقت نماز مغرب و عشاء‌ به عنوان حکم وضعی ممتد است و عرف شامل مختار هم این را می‌داند.

که این وجه دوم غیر وجیه است. برای این‌که تفصیل در وقت اجزاء به عنوان حکم وضعی بین مختار و مضطر غیر عرفی نیست.

[سؤال: ... جواب:] دیگه نوم و نسیان یکی از مصادیق معذور هستند دیگه، نائم و ناسی. حالا زنی حائض بود، و لذا این‌ها فتوی می‌دهند زنی حائض بود، قبل از طلوع فجر پاک شد باید سریع برود غسل کند نماز مغرب و عشا‌ء را بخواند.

**دلیل دوم: روایت ابن فضال**

یک دلیل دیگر هم ممکن است این‌ها بیاورند. دلیل دیگر یک روایتی است احمد بن الحسن بن علی بن فضال نقل می‌کند از علی بن یعقوب هاشمی از مروان بن مسلم از عبید بن زراره عن ابی عبدالله علیه السلام.

سند ضعیف است مگر همان کلام شیخ انصاری گفت خذوا ما رووا. احمد بن الحسن بن علی بن فضال جزء بنی فضال است. خذوا ما رووا را به این معنا بگیریم که نگاه به واسطه بین این بین فضال و امام نکنید. هر چی بودند قبول کنید. که ما قبول نداشتیم این استظهار را.

سند این روایت ضعیف است.

عن عبید بن زراره عن ابی عبدالله علیه السلام لاتفوت الصلاة من اراد الصلاة لاتفوت صلاة النهار حتی تغیب الشمس و لاصلاة اللیل حتی یطلع الفجر و لاصلاة الفجر حتی تطلع الشمس. نماز روز تا غروب آفتاب فوت نمی‌شود. ‌نماز لیل، نماز لیل در مقابل صلاة النهار و صلاة الفجر یعنی نماز مغرب و عشاء، فوت نمی‌شود حتی یطلع الفجر. و لاصلاة الفجر حتی یطلع الشمس.

این هم دلیل قول سوم‌ (امتداد وقت نماز مغرب و عشاء تا طلوع فجر است برای مختار و مضطر هر دو و لو برای مختار جایز نیست تاخیر آن از نیمه شب).

**انتهاء تکلیفی وقت تا نیمه شب، مورد تسالم اصحاب است**

[سؤال: ... جواب:] دیگه در این که تسالم اصحاب هست. خود آیه را دیگه شما اقم الصلاة لدلوک الشمس الی غسق اللیل حداقلش این است که بگویید که تکلیف هست به وجوب مبادرت به نماز مغرب و عشاء تا نیمه شب. و این مقدار مسلم است. از روایات استفاده می‌شود. کلام در وقت اجزاء است. و لو خلاف تکلیف بکند شخص مختار می‌خواهیم ببینیم آیا ملزم است بعد از نیمه شب نماز مغرب و عشاء‌ را بخواند به نیت اداء یا بگوید حال که قضاء شد بعدا می‌خوانم؟‌ آقای خوئی می‌فرماید بگو حال که قضاء شد بعدا می‌خوانم. اما طبق قول دوم و سوم، قول دوم در مورد مضطر می‌گفت حق نداری بگویی قضاء شد. مختار، بله. مختار می‌گوید قضاء شد. قول سوم می‌گوید مختار هم نباید بگوید قضاء شد. باید بلند شود به نیت اداء نماز بخواند.

**قول چهارم (شیخ طوسی در اکثر کتبش): نماز مغرب مختار، ذهاب حمره مغربیه. مضطر، ربع لیل. نماز عشاء مختار، ثلث لیل. مضطر، نیمه شب**

قول رابع قولی است که شیخ طوسی در اکثر کتبش قائل شده. می‌گوید آخر وقت نماز مغرب زوال حمره مغربیه است. غیبوبت شفق. شفق یعنی حمره مغربیه. و هو الحمرة. و به قال ابو حنیفة و الثوری و احمد بن حنبل.

این کلام شیخ طوسی را که ما نقل کردیم، از خلاف نقل کردیم. از ابن براج هم مشابهش نقل شده. و جالب این است که قید هم نزدند در این دو عبارت که آخر وقت المغرب اذا غاب الشفق و هو الحمرة ‌قید نزدند للمختار. اگر به اطلاق این عبارت شیخ طوسی در خلاف اخذ کنیم یعنی مضطر هم بعد از ذهاب حمره مغربیه دیگر وقت مغربش فوت شده است.

ولی احتمال ندارد که شیخ طوسی این را بخواهد بگوید. چون در اکثر کتبش گفت، مثل مبسوط، نگاه کنید می‌گوید آخر وقت مغرب برای مختار سقوط شفق است، ذهاب حمره مغربیه است. اما المضطر، تعبیر مبسوط این است، فیمتد الی ربع اللیل. یک مقدار تخفیف داده. گفته مضطر وقت نماز مغربش تا موقعی است که یک چهارم لیل بگذرد. وقت نماز عشاء هم برای مختار تا یک سوم شب است. و برای مضطر تا نصف شب است. وقت نماز مغرب برای مختار شد ذهاب حمره مغربیه، ‌سقوط شفق، برای مضطر شد تا یک چهارم شب. و وقت نماز عشاء‌ برای مختار شد تا یک سوم شب، ‌برای مضطر شد تا نیمه شب.

این عبارت مبسوط است. و در غیر مبسوط هم در اکثر کتبش شیخ همین را می‌گوید.

ابوالصلاح حلبی و ابن حمزة هم همین نظر را اختیار کردند.

**ادله وقت مختار**

**دلیل اول: روایت موسی بن بکر**

دلیل مرحوم شیخ طوسی عده‌ای از روایات است:

روایت اول روایت موسی بن بکر از زراره: قال سمعت اباجعفر علیه السلام یقول آخر وقت المغرب ایاب الشفق فاذا غاب الشفق دخل وقت العشاء. منتها ذیل این روایت یک چیزی دارد شیخ طوسی این را فتوی نداده. می‌گوید و آخر وقت العشاء ثلث اللیل. شیخ طوسی می‌گفت و آخر وقت العشاء للمختار ربع اللیل.

[سؤال: ... جواب:] و آخر وقت العشاء. ... یک لحظه اجازه بدهید. آخر وقت العشاء للمختار نصف اللیل. درست است. پس ذیلش هم شیخ فتوی داد.

خب روایت دوم.

قبل از این‌که روایت دوم را بخوانم این روایت در سندش موسی بن بکر است که ما بخاطر این‌که مروی عنه صفوان است توثیقش می‌کنیم.

آقای خوئی هم که آن جمله تهذیب را گرفته که هذا مما لااختلاف فیه بین اصحابنا، ‌گفته این کلام صفوان است که می‌خواهد بگوید این حدیث موسی بن بکر مورد اتفاق است بین اصحاب، یعنی موسی بن بکر کسی است که حدیثش مورد اتفاق است.

که ما قبلا اشکال کردیم گفتیم این عبارت دلالت بر وثاقت موسی بن بکر نمی‌کند.

**دلیل دوم: صحیحه زراره و فضیل**

روایت دوم صحیحه زراره و فضیل: قالا قال ابوجعفر علیه السلام: ان لکل صلات وقتین غیر المغرب فان وقتها واحد و وقتها وجوبها و وقت فوتها سقوط الشفق.

[سؤال: ... جواب:] ذهاب حمره مغربیه یعنی اول وقت نماز عشاء است دیگه. اول وقت نماز عشاء این روزها شش و پنج شش دقیقه است. دیگه خیلی باید از خدا ترسید. این نماز مغرب را خیلی جدی باید گرفت.

حالا این را عرض کنم، بعدها مطرح خواهیم کرد:

صاحب حدائق همین روایات را مستند قرار داده برای این نظر که برای مختار وقت وجوب مبادرت به نماز مغرب این است. و لو وقت اجزاء تا نیمه شب است، مثل مشهور، اما مختار و غیر معذور گناه کرده اگر تا ذهاب حمره مغربیه نماز مغربش را نخواند. دلیلش هم همین روایات است.

و لذا با این دید هم این روایات را نگاه کنید.

**دلیل سوم: روایت اسماعیل بن مهران**

روایت سوم روایت سهل بن زیاد از اسماعیل بن مهران: وقت المغرب ضیق و آ‌خر وقتها ذهاب الحمرة و مصیرها الی البیاض فی افق المغرب. یعنی ذهاب حمره در افق مغرب، ‌ذهاب حمره مغربیه.

**دلیل چهارم: معتبره اسماعیل بن جابر**

روایت چهارم معتبره اسماعیل بن جابر: وقت المغرب ما بین غروب الشمس الی سقوط الشفق.

**دلیل پنجم: صحیحه عبدالله بن سنان**

روایت پنجم صحیحه عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله علیه السلام: وقت المغرب من حین تغیب الشمس الی ان تشتبک النجوم، ‌اشتباک نجوم یعنی روشن شدن ستاره‌ها که همان وقت ذهاب حمره مغربیه است.

**دلیل ششم: مرسله سعید بن جناح**

آخرین روایت را هم بخوانیم:

مرسله سعید بن جناح عن بعض اصحابنا عن الرضا، علیه السلام ان ابا الخطاب، مغیرة‌ بن سعید نماز مغربش را نمی‌خواند تا بعد از زوال حمره مغربیه، امام می‌فرماید ان ابا الخطاب قد افسد عامة اهل الکوفة، نوع مردم کوفه را به فساد کشانده، لایصلون المغرب حتی یغیب الشفق، بعد از زوال حمره مغربیه نماز مغرب تازه می‌خوانند و انما ذلک للمسافر، نماز مغرب بعد از ذهاب حمره مغربیه مختص است به مسافر و الخائف و صاحب الحاجة.

این هم دلیل بر این‌که وقت نماز مغرب برای مختار تا ذهاب حمره مغربیه است.

[سؤال: ... جواب:] یعنی مسافر نمی‌تواند اول غروب آفتاب نماز مغرب بخواند؟ ... ابوالخطاب می‌گفت باید نماز مغرب را بعد از ذهاب حمره مغربیه بخوانیم. ... افضلیت را ظاهرا می‌گفت. گفت افضل است. امام فرمود این افساد کرد عامه اهل کوفه را. یعنی نماز در آن وقت فاسد است بعد از زوال حمره مغربیه. و این نماز بعد از حمره مغربیه مخصوص مسافر و خائف و صاحب الحاجة است. یعنی مشروعیتش دیگه.

**دلیل وقت مضطر: صحیحه عمر بن یزید**

حالا اختصاص این قول رابع به خصوص مختار که وقت المغرب من غروب الشمس الی ذهاب الشفق چرا مختص شد به مختار ولی مضطر بیشتر وقت دارد؟ چون در روایات صحیحه آمده، ‌مثل صحیحه عمر بن یزید: وقت المغرب فی السفر الی ثلث اللیل.

خب وقت المغرب فی السفر الی ثلث اللیل، این‌جور آمده، خب معلوم می‌شود که بعد از ذهاب حمره مغربیه در سفر می‌شود نماز مغرب را خواند.

در یک روایت دیگر ربع آمده. معتبره عمر بن یزید: وقت المغرب فی السفر الی ربع اللیل.

و لذا شیخ طوسی گفت سفر مصداقی است از مصادیق عذر. و لذا وقت نماز مغرب برای مضطرین و معذورین از جمله مسافرها تا یک چهارم شب است. دلیلش این روایت است.

این عمده دلیل قول رابع.

[سؤال: ... جواب:] بله؟ ... نه. آن که مرسله بود که. مرسله سعید بن جناج عن بعض اصحابنا عن الرضا علیه السلام.

[سؤال: ... جواب:] حالا نماز مغرب. نماز عشاء را هم می‌رسیم.

**قول پنجم (شیخ مفید): همان تفصیل قول چهارم منتها در خصوص مسافر و حاضر**

مرحوم شیخ مفید همین نظر شیخ طوسی را مطرح کرده ولی گفته که از روایات استفاده تفصیل بین مختار و مضطر نمی‌کنیم. از روایات استفاده می‌کنیم بین مسافر و حاضر فرق است. چون در آن روایات گفت وقت المغرب فی السفر الی ثلثی اللیل یا الی ربع اللیل. مرحوم شیخ طوسی این سفر را حمل کرد بر مثال برای مطلق عذر و لو در حضر هست، حاجت دارد که در روایت سعید بن جناح هم بود. اما مرحوم شیخ مفید و همین‌طور از صدوق نقل شده، ‌گفتند نه، ‌وقت نماز مغرب برای حاضر تا سقوط شفق است، ‌برای مسافر تا ربع لیل است.

**دلیل: مسافر بودن در معتبره عمر بن یزید،‌ موضوعیت دارد**

خب این نکته‌اش معلوم شد که منشأ این نزاع این است که آیا سفر را در این روایات معتبره که وقت المغرب فی السفر الی ثلثی اللیل در یک روایت معتبره دیگر الی ربع اللیل حمل کنیم برای مثالیت مطلق عذر و لو به قرینه روایت سعید بن جناح می‌شود نظر شیخ طوسی یا بگوییم این ظاهرش موضوعیت است که می‌شود نظر شیخ مفید و صدوق.

**قول ششم (صاحب حدائق): نماز مغرب مختار، ذهاب حمره مغربیه. مضطر متعارف، ربع لیل. مضطر شدید، نیمه شب**

قول خامس را هم عرض کنیم.

قول خامس قول صاحب حدائق است. صاحب حدائق می‌گوید نماز مغرب سه وقت دارد. ان للمغرب اوقاتا ثلاثة. وقت اول تا سقوط شفق. وقت دوم تا یک چهارم از شب. وقت سوم تا نیمه شب.

وقت اول که از غروب است تا سقوط شفق، به نظر مشهور وقت فضیلت است؛‌ به نظر ما وقت لزوم مبادرت است برای شخص مختار. نشستی چایی می‌خوری و گعده می‌کنی؟ بلند شو نماز مغرب را بخوان! اذان مغرب را که به اندازه کافی دیر می‌گویند، ‌خیال می‌کنی چقدر وقت داری تا ذهاب حمره مغربیه؟ این وقت اول.

وقت دوم: وقت دوم تا یک چهارم شب برای مضطر متعارف. یعنی اضطرار عرفی دارد. حالا مسافر است، حاجتی دارد، می‌خواهد به منزلش بیاید جای بهتری را برای نماز انتخاب کند، در بین راه حالا کجا نماز بخواند، ‌در خیابان نماز بخواند، ‌خب اگر در نیمه شب بود این کار را می‌کرد، حالا سقوط شفق شده خب بشود، تا یک چهارم وقت داری برسی خانه‌ات آن موقع نمازت را بخوانی. معذور متعارف تا یک چهارم شب.

وقت سوم، اضطرار شدید. او تا نیمه شب. اضطرار شدید کجاست؟ در نوم، حیض، در نسیان، این می‌شود اضطرار شدید. شدت اضطرار هست. این هم آخرش می‌شود نیمه شب.

**دلیل: جمع بین سه طائفه از روایات**

ایشان می‌گوید دلیل ما جمع بین روایات است. خب چه کار کنیم؟ شما به جای ما. ما چند طائفه روایات داریم: یک طائفه گفت وقت نماز مغرب و عشاء تا نیمه شب. یک طائفه گفت وقت نماز مغرب تا یک چهارم شب. یک روایت گفت وقت نماز مغرب تا سقوط شفق. آن روایتی که گفت وقت نماز مغرب تا یک چهارم شب راجع به مسافر بود؛ فی السفر. خب عرف این‌جور جمع می‌کند، می‌گوید برای مختار تا سقوط شفق؛ وقت وجوب. اما وقت اجزاء طبق آن روایات منتصف اللیل می‌گوید. برای عذرهایی مثل سفر و مانند آن، وقت نماز مغرب تا یک چهارم شب است. اما تا نیمه شب، آن دیگه وقت کسانی است که اضطرار شدید دارند.

خب اینجا این بحث با صاحب حدائق شروع می‌شود و با مشهور شروع می‌شود که آقا! چرا قول دوم را که روایت صحیحه داشت، می‌گفت ان نام رجل او نسی فاستیقظ قبل طلوع الفجر صلی المغرب و العشاء، آن را راجع به مضطر نادیده گرفتید؟ بلکه چرا نسبت به نوم الغاء خصوصیت نکردید از نوم غیر اختیاری به نوم اختیاری و شامل متعمد ندانستید این وقت تا طلوع فجر را؟ چرا قول دوم و سوم را مشهور عمل نکردند؟ این بحث اول ما است.

بحث دوم این است که چرا قول شیخ طوسی که مستندش روایات کثیره است، مورد عمل مشهور قرار نگرفته؟

ان‌شاءالله این را در جلسات بعد برای بحث صلات مطرح می‌کنیم.

و الحمد لله رب العالمین.